Legal Challenges of Children's Citizenship of Iranian Women with Foreign Husbands

Atefeh Abbasi[1]

Abstract

In civil law of Iran, the right of women to nationality is intertwined with their family rights and duties and family rights are preferred to the moral rights of them. According to the above law the citizenship of the Iranian mother did not affect the child's nationality and even if child is born of Iranian mother and foreign father on Iranian soil, this person is not considered Iranian.

On the other hand, mother and father of many of these children are married without compliance of article 1060 of the Civil Code and some of men have no nationality and some of men have died or been missing, as a result, their children lack citizenship and identity.

Considering the ineffectiveness of the law of determining the nationality of the children of Iranian women married to foreign men and the need to modify the existing rules, this article is written. This article is a library study method by analyzing existing laws and regulations.

In this article , effect of the mother's role on granting citizenship is explained and checked the systems for determining the citizenship of individuals and families and suggested to these children are known Iranian and this problem can be resolved by the mother's request from the birth or by the child from the age of 18 years.

It is essential for mother's support, her marriage will be recorded and citizenship rights are given to these children before granting citizenship.

Keywords

Citizenship, Marriage, Iranian Mother, Foreign Father, Blood System, Stateless

---

1. Assistant Professor of Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran.
Email: atefehabbasi@isu.ac.ir

Original Article Received: 20 December 2018 Accepted: 5 May 2019

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

Please cite this article as: Abbasi A. Legal Challenges of Children's Citizenship of Iranian Women with Foreign Husbands. Child Rights J 2019; 1(1): 167-191.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

چالش‌های حقوقی تابعیت اطفال زنان ایرانی دارای همسر خارجی

عاطفه عباسی[۱]

چکیده

در قانون مدنی ایران حق تابعیت زنان در برابر دولت، با حقوق و تکالیف خانوادگی ایشان مخلوط و حقوق خانوادگی به حقوق معنوی اشخاص در برابر حکومت ترجیح داده شده است. بر اساس قانون مزبور تابعیت مادر ایرانی، اثری بر تابعیت طفل نداشته و حتی در صورت تولد طفل از مادر ایرانی و پدر خارجی در خاک ایران نیز فرد مزبور ایرانی تلقی نمی‌شود. از سوی دیگر بسیاری از این اطفال حاصل ازدواج خلاف ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی هستند و پدرانی فاقد تابعیت داشته یا به دلیل فوت یا مفقودشدن پدر و... بی‌تابعیت و فاقد هویت‌اند.

با توجه به ناکارآمدی قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و ضرورت اصلاح قواعد موجود، این نوشتار ضمن تبیین تأثیر نقش مادر در اعطای تابعیت و بررسی سیستم‌های تعیین تابعیت افراد و خانواده، پیشنهاد نموده تا با اعطای تابعیت به این اطفال، حسب مورد به تقاضای مادر از بدو تولد یا خود طفل از سن ۱۸ سالگی این مشکل مرتفع گردد. ضروری است ضمن ثبت ازدواج مادر ایرانی و حمایت از وی، شرایط اقامت این اطفال و بهره‌مندی از حقوق مدنی شهروندی تا زمان دریافت تابعیت فراهم گردد.

واژگان کلیدی

تابعیت، ازدواج، مادر ایرانی، پدر خارجی، سیستم خون، بی‌تابعیتی

۱. استادیار پردیس خواهران دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

Email: atefehabbasi@isu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۷/۹/۲۹ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۲/۱۵

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

مقدمه

یکی از چالش‌های مهم بحث تابعیت ناظر بر نحوه تعیین تابعیت اطفالی است که از مادری ایرانی و پدری خارجی تولد می‌یابند. مشکلات و معضلات کودکان متولدشده از زنان ایرانی که با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند، در زمانی بروز و نمود پیدا می‌کند که خانواده با وقایعی چون طلاق، فوت مرد خارجی، ناپدیدشدن وی، رهانمودن زن و فرزندان و مهاجرت مرد خارجی به کشور ثالث و... مواجه می‌شود.

توضیح آنکه مقدمه واجب جهت ثبت ولادت طفل، اثبات و ثبت واقعه ازدواج والدین وی می‌باشد و این امر در مواردی که پدر طفل غیر ایرانی باشد، دارای اهمیت بیشتری می‌گردد، چراکه بر طبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی فقط با صدور مجوز خاص دولتی مجاز است.

ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که مانع شرعی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. آیین‌نامه اجازه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیر ایرانی، مدارک ذیل را برای صدور اجازه لازم دانسته است:

ـ تقاضای کتبی مرد و زن.

ـ گواهی‌نامه دولت متبوع شوهر مبنی بر به رسمیت‌شناختن ازدواج در کشور متبوع شوهر.

ـ گواهی تشرف به دین اسلام، در مورد مرد غیر مسلمان.

ـ گواهی‌نامه تجرد یا تأهل مرد.

ـ گواهی عدم سوء پیشینه از کشور متبوع شوهر و کشور ایران.

ـ اخذ تعهد و تضمین از شوهر برای وظایفی که شوهر ایرانی در اثر مزاوجت دارد (البته در صورت صلاحدید وزارت کشور).

جهت تضمین اجرای این حکم، بر اساس ماده ۵۱ قانون حمایت خانواده، هر فرد خارجی که بدون اخذ اجازه مذکور در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی و یا برخلاف سایر مقررات قانونی با زن ایرانی ازدواج کند، به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شود.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

معالوصف افزایش مهاجرت‌های غیر قانونی از مرزهای شرقی و غربی به ایران خصوصاً پس از جنگ‌های دهه‌های اخیر در کشورهای افغانستان و عراق و ازدواج این افراد با زنان ایرانی که به جهت فقر و توأم با ناآگاهی از قوانین از جمله ماده اخیرالذکر صورت پذیرفته، موجی از مشکلات را به همراه آورده که یکی از آن‌ها عدم امکان احراز هویت به فرزندان حاصل از این ازدواج می‌باشد. گفتنی است غالب این ازدواج‌ها بدون طی مراحل قانونی و صرفاً به صورت شرعی تحقق یافته، لذا جاری‌ساختن آثار قانونی نکاح بر این ازدواج‌های غیر قانونی امکان‌پذیر نیست.

هرچند در قانون اساسی، قانون مدنی و اسناد بین‌المللی که ایران به آن‌ها ملحق شده بر لزوم اعطای تابعیت به افراد از جمله اطفال به شرحی که در ادامه خواهد آمد، تصریح گردیده، لکن این قوانین در تعیین وضعیت حقوقی اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارج، حکمی نداشته و در عمل اطفال بی‌تابعیت و حتی فاقد اسناد شناسایی به جای مانده‌اند. این پژوهش به دنبال آسیب‌شناسی قوانین فعلی کشور و طرح‌ها و لوایح مطروحه در دولت و مجلس است تا با ارائه الگویی مطلوب و مبتنی بر اصول حقوقی، جهت حفظ حقوق زنان ایرانی و اطفال ایشان به همراه حفظ منافع سیاسی امنیتی کشور دست یابد.

مفهوم تابعیت و ارتباط آن با خانواده

تابعیت به عنوان یکی از حقوق معنوی بشر، رابطه میان مردم با دولت متبوع بوده (۱) و شخص را به کشور معینی مرتبط می‌سازد (۲)، به نحوی که اقامت در خارج از کشور نیز نمی‌تواند موجب قطع آن شود، چراکه متضمن مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف برای دارنده آن است که فرد تبعه همان‌گونه که از امتیازات مدنی و سیاسی شهروندی کشور متبوع خود بهره‌مند است، باید الزامات آن را نیز پذیرا باشد (۳).

اعطای این رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی از اختیارات حاکمیت بوده و دولت‌ها تابعیت را به اشخاص، اعطا و تحت شرایطی از ایشان سلب می‌نمایند. بر این اساس

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

اتباع یک کشور ضمن بهره‌مندی از حقوق، در برابر قانون با یکدیگر برابر بوده و تنها به واسطه عواملی چون صغر سن، محکومیت یا اکتسابی بودن تابعیت محدویت‌هایی در حقوقشان ایجاد می‌گردد (۴).

اعطای تابعیت اصلی که به محض تولد به افراد تعلق می‌گیرد، بر اساس سیستم خاک یا سیستم خون و یا ترکیبی از این دو صورت می‌پذیرد. تابعیت، در سیستم خاک بر مبنای سرزمین محل تولد و در سیستم خون بر اساس تابعیت والدین خصوصاً پدر اعطا می‌گردد. در غالب کشورها با توجه به آنکه دو سیستم خاک و خون مکمل یکدیگر می‌باشند، نحوه اعطای تابعیت تلفیقی از هر دو سیستم است (۴).

در کنار این تابعیت، اتباع دارای تابعیت اکتسابی یا اشتقاقی که از طریق پذیرش تابعیت کشور دیگر یا ازدواج حاصل می‌شود، از کلیه حقوق اتباع یک کشور جز آنچه به موجب قانون تعیین‌شده برخوردار می‌شوند. در نظام حقوقی ایران تصدی برخی مشاغل حساس که وفق ماده ۹۸۲ قانون مدنی مشتمل بر ریاست جمهوری و معاونین وی، عضویت در شورای نگهبان، ریاست قوه قضاییه، وزارت، استانداری و فرمانداری، عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت در شوراهای استان، شهرستان و شهر، استخدام در وزارت امورخارجه و نیز احراز هر گونه پست یا مأموریت سیاسی، قضاوت، عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش، سپاه و نیروی انتظامی، تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی در زمره محدودیت‌های قانونی برای اتباع دارای تابعیت اکتسابی است.

نوع دیگر تابعیت اکتسابی، تغییر تابعیت زن بر اثر ازدواج با مرد خارجی و نیز تغییر تابعیت همسر و فرزندان مردی است که اقدام به تغییر تابعیت نموده که البته به جهت عدم اراده مستقیم فرد (همسر و فرزند مزبور) در تغییر تابعیت، بیش از آنکه اکتسابی باشد، وجه تبعی و تحمیلی دارد.

توضیح آنکه پس از وقوع ازدواج میان زن و مردی که دارای تابعیت دوگانه هستند تغییرات حقوقی جدیدی پدید می‌آید که نظام‌های مختلف حقوقی راه‌کارهایی برای آن اندیشیده‌اند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

بر اساس نظریه وحدت تابعیت، خانواده رکنی واحد است که یکی از ابزارهای لازم جهت تأمین وحدت و انسجام آن، تابعیت واحد زن و شوهر می‌باشد، لذا پس از وقوع ازدواج اتباع دو کشور، باید تابعیت یکی از زوجین به همسر دیگر تحمیل شود. از آنجا که در برخی نظام‌های حقوقی، ریاست خانواده با شوهر است، لذا تابعیت شوهر به زن تحمیل می‌گردد (۲). از جمله نقاط قوت این نظریه، تفسیر حقوق و تکالیف زوجین در یک سیستم حقوقی است در نتیجه از تعارض تکالیف زوجین به علت تفاوت تابعیت اجتناب می‌شود. از معایب این نظریه می‌توان به عدم امکان انتخاب تابعیت از طرف زن و نیز مغایرت این نظریه با سیاست‌های جمعیتی و امنیتی کشور اشاره نمود. نظام حقوقی ایران که تابع این سیستم است به تفصیل بررسی خواهد شد.

در مقابل، نظریه استقلال تام تابعیت با تأکید بر تساوی حقوق زن و مرد و در راستای عدم امکان تحمیل تابعیت شوهر به زن در صورت ازدواج با مردان خارجی مطرح شده که به دلیل عدم تأمین وحدت خانواده که شرط تشکیل و بقای خانواده بوده و نیز احتمال بحران و معضل در کانون خانواده در زمان حدوث اختلاف بین دول متبوع زوجین، واجد معایب حائز اهمیتی است.

با توجه به معایب دو نظریه فوق و نیز اجتناب از تحقق وضعیت بی‌تابعیتی یا تابعیت مضاعف، نظریه استقلال نسبی‌تابعیت مطرح گردیده که بر اساس آن اصل بر استقلال زوجین در تابعیت است، لکن امکان تغییر آن و تحصیل تابعیت کشور یکدیگر با اراده ایشان وجود دارد.

شایان ذکر است در باب تعیین قانون حاکم بر روابط زوجین در صورت تفاوت در تابعیت زوج و زوجه در نظام‌های حقوقی مختلف، گاه قانون دولت متبوع زوج، گاه قانون دولت مقرّ دادگاه و گاه نیز قانون اقامتگاه مشترک زوجین ترجیح داده می‌شود.

تابعیت خانواده در سیاست تقنینی جمهوری اسلامی ایران

مطابق اصول چهل و یک و چهل و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» وفق اصل چهل و دوم «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند.»

همان‌گونه که در اصل ۴۲ نیز ذکر شده، احکام تفصیلی مربوط به تابعیت در قوانین عادی کشور درج گردیده که به تفصیل در قالب اسناد بین‌المللی که ایران به آن‌ها ملحق شده و با استناد به ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین عادی کشور است، قانون مدنی، قانون ثبت احوال و... مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱ـ اسناد بین‌المللی متضمن حق بر تابعیت

اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند در ماده ۱۵، حق داشتن تابعیت را برای هر کس پیش‌بینی نموده و مقرر داشته، هیچ کس به نحو خودسرانه از تابعیتش محروم نخواهد شد.

طبق جزء ۱ ماده ۲۴ قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۳۵۴، هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکنت یا نسب، حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیربودنش از طرف خانواده او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید، برخوردار گردد. یکی از این حمایت‌ها حق وی در بهره‌مندی از تابعیت وفق جزء ۳ این ماده می‌باشد.

کنوانسیون حقوق کودک در راستای تأمین همه‌جانبه حقوق کودک و جهت اجتناب از بی‌تابعیتی وی، اعمال سیستم خاک را بدون لحاظ تابعیت والدین پیشنهاد نموده است. برابر اصل ۳ اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «کودک باید از بدو تولد صاحب ملیت گردد.» حق کودک بر تابعیت در کنوانسیون حقوق کودک با این وصف تصریح گردیده که ولادت کودکان به محض تولد ثبت خواهد شد و از همان لحظه حق داشتن نام و حق برخورداری از تابعیت را خواهند

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

داشت. بر اساس این سند دولت‌های عضو باید اهتمام نمایند تا صرف نظر از اصل و نسب والدین، اطفال گرفتار بی‌تابعیتی نگردند (۵).

مطابق قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۳۴۷ شمسی در ایران، مقررات این کنوانسیون نباید به گونه‌ای تفسیر شود که ناقض مقررات داخلی مربوط به تابعیت کشورهای عضو گردد، مگر آنکه این قواعد منجر به تبعیض نژادی بر اساس نژاد، رنگ، نسب یا منشأ ملی یا قومی گردد، به نحوی که به از بین‌بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره‌انداختن حق تمتع یا استیفا از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگر از حیات عمومی آن هم در شرایط برابر باشد.

وفق بند ۲ ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۲، ولادت کودکان دارای معلولیت بلافاصله ثبت خواهد گردید و ایشان دارای حق برخورداری از نام، تابعیت و مراقبت توسط والدین هستند.

کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آنکه در سال ۱۳۵۵ به تصویب دولت ایران رسیده است نیز متضمن احکامی در خصوص افراد فاقد تابعیت یا افرادی که به دلایل سیاسی و... امکان بهره‌مندی از حمایت دولت متبوع خود را ندارند، می‌باشد. وفق ماده ۳۴ این سند، دول متعاهد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان، تسهیلاتی فراهم خواهند آورد و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه و مخارج این امر بکاهند.

شایان ذکر است از حیث مطالعه تطبیقی (۶)، کنوانسیون اروپایی تابعیت مصوب ۱۹۹۷، قواعد تحصیل تابعیت کشورهای عضو کنوانسیون را چنین مقرر نموده که «هر دولت عضو کنوانسیون، در مقررات داخلی، این امر را مقرر می‌دارد که تابعیتش به طور قانونی توسط اشخاص مندرج در سند کسب شود» (بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی تابعیت). همچنین دول عضو کنوانسیون مکلف می‌گردند، در قوانین داخلی خود این امر را مقرر می‌دارد که تابعیت خود را به نحو قانونی نسبت به اطفال مجهول‌الهویه‌ای که در

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

سرزمینشان یافت می‌شوند، اعطا کنند. مقصود از این کودکان، افرادی است که در غیر سرزمین آن‌ها یافت شوند، از حیث مقررات آن کشور، بی‌تابعیت محسوب خواهند شد.

همچنین بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «هر دولت طرف کنوانسیون در قانون داخلی خود، تابعیتش را به اطفالی اعطا می‌کند که در قلمرو وی متولد شده‌اند، منوط به آنکه در زمان تولد، تابعیت دیگری را تحصیل نکرده باشند.»

البته در ماده ۹ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نیز که جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق نگردیده، دول عضو متعهد شده‌اند به زنان و مردان در مورد ملیت و تابعیت کودکان حقوق مساوی اعطا نمایند.

با توجه به آنکه بهره‌مندی افراد از حقوق مدنی و سیاسی و نیز حمایت دولت‌ها از افراد، منوط به وجود رابطه تابعیت می‌باشد، کنوانسیون ۱۹۵۴ مربوط به وضعیت اشخاص بی‌تابعیت تصویب گردید تا به حمایت از اشخاص مذکور بپردازد. این کنوانسیون دول عضو را مکلف نموده که بی‌تابعیتی را مستمسکی جهت عدم اعمال حقوق بشر قرار ندهند. برای مثال دولت‌های عضو باید اشخاص بی‌تابعیت را در حوزه‌های مذهب، آموزش ابتدایی، دسترسی به دادگاه‌ها، قوانین کار، آسایش عمومی و مالکیت معنوی از حقوقی دست کم به همان اندازه مطلوب اتباع داخلی، بهره‌مند سازند. همچنین دولت‌ها باید حقوق اشخاص بی‌تابعیت را در مواردی از قبیل حق داشتن مسکن، حق تشکیل اتحادیه و انجمن، آزادی آمد و شد، تصاحب و تملک دستمزد حاصل از کارشان و حق مالکیت تضمین کنند، البته این امر شامل اشخاص بی‌تابعیتی که به نحو غیر قانونی ساکن سرزمین یکی از دولت‌های عضو هستند، نمی‌شود و افراد اخیرالذکر تنها از بخش محدودی از حقوق و حمایت‌های مورد بحث بهره می‌برند. تعارض قوانین، استقلال سرزمین، قوانین مربوط به ازدواج، عملکردهای اداری، تبعیض، قوانین مربوط به ثبت تولد، سیستم اعطای تابعیت بر اساس خون، سلب تابعیت، ترک تابعیت، از دست‌دادن قهری تابعیت با اعمال قانون، از جمله عوامل مؤثر بر تحقق بی‌تابعیتی افراد می‌باشد، البته وجود تابعیت وابسته نیز ممکن است منجر به بی‌تابعیتی گردد. بر اساس اصل تابعیت وابسته، زنی که با تبعه خارجی ازدواج می‌کند تابعیت

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

خودش را از دست می‌دهد و تابعیت شوهرش را به صرف ازدواج کسب می‌کند. افزون بر این اگر شوهر تابعیت خودش را از دست بدهد یا آن را تغییر بدهد، تابعیت زن هم به تبع تابعیت شوهرش از بین می‌رود یا تغییر می‌کند.

لازم به ذکر است معاهده کاهش بی‌تابعیتی ۱۹۶۱ انحصاراً بر کاستن از بی‌تابعیتی تمرکز نموده و مقرر می‌نماید افرادی که به هر شکلی گرفتار بی‌تابعیتی می‌باشند، باید قادر به تحصیل تابعیت شوند و امکانات لازم جهت تحصیل تابعیت در اختیار کلیه افرادی که در قلمرو یک دولت زاده می‌شوند، قرار گیرد. ایران کنوانسیون مزبور را تصویب نکرده است (۷).

۲ـ قانون مدنی

ماده ۹۷۶ قانون مدنی، افراد متبوع دولت ایران را مشخص نموده و بر این اساس هر فرد ساکن ایران، ایرانی است، مگر آنکه تابعیت خارجی وی مسلم بوده و یا مدارک تابعیت او مورد اعتراض دولت ایران باشد، لذا می‌توان ضابطه تعیین تابعیت در ایران را اقامت ایشان در قلمرو سرزمینی این کشور دانست (۲).

علاوه بر این با اعمال سیستم خون در بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، هر کس را که از پدر ایرانی متولد گردد، با اعمال تابعیت اصلی نسبی، ایرانی محسوب نموده و در این بین، تفاوتی میان اصلی یا اکتسابی‌بودن تابعیت پدر نمی‌باشد (۷). در این بند به تصریح از پدر سخن رفته و قرابت مادری را مؤثر در انتقال تابعیت به طفل ندانسته است که نقطه آغاز چالش‌های حقوقی فرزندان متولد زنان ایرانی از همسران خارجی نیز همین بند قانونی می‌باشد.

وفق بند ۳ ماده فوق‌الذکر، تابعیت اصلی سرزمینی را به افراد متولد پدر و مادر مجهول در ایران، اعطا کرده و بند ۴ همین ماده که از احکام بحث‌برانگیز این قانون و مبتنی بر سیستم خاک است کسانی را که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از ایشان متولد ایران است، متولد شوند، ایرانی دانسته است. نکته بسیار مهم، توجه به تابعیت مادر خارجی طفل و صرف تولد وی در ایران می‌باشد، در حالی که در بند ۲ این ماده، وضعیت زن دارای تابعیت ایرانی و نه صرفاً متولد ایران را مؤثر در اعطای تابعیت

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

ایرانی به طفلش ندانسته است. در نتیجه بند ۴ در تعارض با بند ۲، نقش مادر متولد و نه متبوع ایران را در اعطای تابعیت به فرزند خود مؤثر دانسته که نشانگر عدم وجود فلسفه‌ای خاص جهت محرومیت مادر ایرانی از این حق می‌باشد.

توضیح آنکه بعضاً فلسفه بی‌اثری تابعیت مادر ایرانی در اعطای تابعیت به طفل، رعایت وحدت تابعیت در خانواده ذکر شده؛ حال آنکه در بند ۴ مورد بحث صرفاً به خارجی‌بودن والدین بدون توجه به وحدت تابعیت ایشان اشاره شده است.

بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی موردی را بیان می‌کند که فرد در ایران از والدینی خارجی متولد می‌گردد که هیچ یک متولد ایران نبوده، لکن خود فرد پس از رسیدن به ۱۸ سالگی یک سال به میل خود در ایران می‌ماند. در این صورت این فرد از تابعیت اصلی ایرانی بر مبنای سیستم خاک بهره‌مند است. وفق ماده ۹۷۷ قانون مدنی، اشخاص مذکور در بندهای ۴ و ۵، هرگاه مایل به قبول تابعیت پدر خود باشند، باید پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، ظرف یک سال درخواست کتبی خود، به علاوه تصدیق پذیرش تابعیت ایشان توسط دولت متبوع پدر را به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

بند ۶ ماده صدرالذکر در خصوص تحمیل تابعیت ایرانی بر اثر ازدواج زن غیر ایرانی با مرد ایرانی است. در این بین تفاوتی میان آنکه تابعیت قبلی زن به قوت خود باقی است یا خیر، وجود ندارد، در نتیجه امکان تحقق تابعیت مضاعف با اعمال این ماده بسیار است. تابعیتی را که زن خارجی به این وسیله کسب می‌کند، قطعی است. اگر شوهر در مدت زناشویی از تابعیت ایران خارج گردد، زن در تابعیت ایران باقی خواهد ماند، مگر این‌که مطابق ماده ۹۸۸ قانون مدنی اجازه دولت برای ترک تابعیت شامل زن مزبور نیز بشود. همچنین با پایان‌یافتن ازدواج چه از طریق فوت شوهر یا طلاق، این تابعیت از بین نمی‌رود (۲) و بازگشت زن به تابعیت اول خود با رعایت مفاد ماده ۹۸۶ قانون مدنی امکان‌پذیر است (۸).

شایان ذکر است هرچند در ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی، قانونگذار سیستم «وحدت تابعیت» را پذیرفته، لکن در ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی از این سیستم تبعیت ننموده و تحمیل تابعیت مرد خارجی بر زن ایرانی را منوط به تحقق ماده ۹۸۷

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

قانون مدنی نموده که بر اساس آن زن به تابعیت ایرانی خود پس از ازدواج باقی است، مگر آنکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.

بند ۷ ماده ۹۷۶ نیز به موضوع تابعیت اکتسابی (البته واژه مناسب‌تر، تحمیلی است) پرداخته است. شرایط اعطای تابعیت ایرانی در مواد ۹۷۹ و ۹۸۰ قانون مدنی پیش‌بینی شده است، البته زن و اولاد صغیر این افراد نیز با توجه به وابستگی تابعیتی‌شان به مرد، از این تابعیت اکتسابی بهره‌مند خواهند شد.

گفتنی است هرچند در اصول قانون اساسی سخنی از حقوق و مزایای افراد تبعه نسبت به غیر اتباع به میان نیامده، لکن وفق ماده ۹۸۲ قانون مدنی که پیشتر نیز بیان شد بهره‌مندی از بسیاری از حقوق سیاسی و تصدی برخی مشاغل نیازمند دارابودن تابعیت ایرانی می‌باشد که به تفصیل در قوانینی از جمله شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، احراز پست قضاوت، استخدام در دستگاه‌های اجرایی مختلف، اخذ پروانه کارشناسی رسمی، عضویت در شوراهای و هیأت‌مدیره بسیاری از نهادهای حرفه‌ای نظیر سازمان نظام پزشکی، سازمان نظام روانشناسی و مشاوره، سازمان نظام مهندسی معدن هیأت منصفه مطبوعات و... ذکر شده‌اند.

با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی و لزوم احراز تابعیت برای بهره‌مندی از بسیاری از حقوق شهروندی، در ادامه نحوه اعطای تابعیت در نظام حقوقی ایران در قوانین مرتبط به همراه چالش‌های مربوط به آن‌ها با تأکید ویژه بر نحوه اعطای تابعیت به اطفال بررسی خواهد شد.

۳ـ قانون ثبت احوال

اشخاص از بدو تولد از حق بر تابعیت و هویت بهره‌مند بوده و همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، کنوانسیون حقوق کودک نیز بر این امر تصریح نموده است. فرایند اعطای این حق با احراز تابعیت طفل بر اساس یکی از بندهای ماده ۹۷۶ ثانون مدنی در قانون ثبت احوال پیش‌بینی شده است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

وفق ماده ۹۹۳ قانون مدنی، ولادت هر طفل و سقط جنین شش ماهه به بعد باید در زمان مقرر و بر طبق روش مشخص‌شده در قانون یا آئین نامه اجرایی آن، به سازمان ثبت احوال گزارش داده شود.

در سال ۱۳۵۰ قانون ثبت احوال به تصویب رسیده و ماده ۱۲ این قانون مقرر نموده که ولادت هر طفل در ایران اعم از این‌که پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد، به نزدیک‌ترین مأمور کنسولی و یا سازمان ثبت احوال کشور اعلام گردد.

مطابق ماده ۱۶ قانون ثبت احوال، اعلام ولادت، به ترتیب به عهده اشخاص زیر خواهد بود:

ـ پدر.

ـ مادر در صورت غیبت پدر و در اولین زمانی که قادر به انجام این وظیفه باشد.

ـ مادر یا جد پدری که از طرف دادگاه به سمت ولایت انتخاب شده باشد.

ـ وصی یا قیم یا امین.

ـ اشخاصی که از لحاظ قانونی عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند.

ـ متصدی یا نماینده مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است.

ـ صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد.

مهلت قانونی مقرر برای اعلام ولادت هر کودک ۱۵ روز پس از تاریخ تولد است. پس از انقضای تاریخ مقرر، چنانچه واقعه ولادت ثبت نشده باشد، کسانی که وظیفه قانونی بر اعلام ولادت داشتند، مقصر شناخته خواهند شد و تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند و متخلفان علاوه بر ثبت ولادت به پرداخت جریمه نقدی نیز محکوم می‌شوند.

پیرو اعلام ولادت؛ نام، جنسیت، تاریخ و محل تولد، نام مادر و پدر و وضعیت تابعیت مادر و پدر طفل باید در سند ولادت ثبت شود.

مشکل در جایی است که کودک حاصل ازدواج غیر قانونی باشد. در این فرض اگر ازدواج پدر و مادر کودکی ثبت نشده باشد، اعلام واقعه ولادت و امضای دفتر کل وقایع،

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

بر عهده پدر و مادر به صورت مشترک می‌باشد. در صورتی که نتوان توافق پدر و مادر را در مورد اعلام ولادت کودک به دست آورد، برای مثال اگر یکی از آن‌ها در دسترس نباشد و یا یکی از آن‌ها در ارتباط با نسبت خونی خود با کودک توافق نداشته باشد، شناسنامه بنا به درخواست یکی از والدین صادر خواهد شد و فقط نام اول طرف غایب، در سند ذکر می‌گردد.

اگر کودک از مادری ایرانی متولد شود که در ایران به صورت قانونی ازدواج نکرده، لکن دارای پدر ایرانی باشد، تابعیت ایرانی خواهد داشت. با این وجود، شناسنامه کودک بر اساس نام خانوادگی مادر تنظیم خواهد شد. مع‌الوصف در صورتی که پدر کودک تابعیت ایرانی نداشته باشد و تابعیت غیر ایرانی وی مسجل باشد، بدون لحاظ تابعیت ایرانی مارد، وی را تبعه دولت متبوع پدر فرض می‌کنند و شناسنامه ایرانی برای وی صادر نمی‌شود.

بر اساس ماده ۱۸ قانون ثبت احوال، نماینده یا مأمور ثبت احوال، ولادت طفل فاقد ولی را ثبت و مراتب را برای اقدام قانونی به دادستان اطلاع خواهد داد. بر اساس این مواد کودکانی که رها شده‌اند یا نامشروع هستند، می‌توانند شناسنامه بگیرند. در صورتی که ابوین طفل معلوم نباشند و معارضی در بین نباشد، بر اساس ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی فرض شده و بر اساس ماده ۱۷ قانون ثبت احوال، شناسنامه با نام خانوادگی آزاد و نام‌های فرضی در محل اسامی ابوین تنظیم می‌گردد. اسامی فرضی و نیز مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی با حکم دادگاه یا مدارک حصر وراثت قابل تصحیح و تکمیل است و نام خانوادگی فرضی طبق احکام مربوط به نام خانوادگی واقعی اصلاح خواهد شد. گفتنی است به فرضی‌بودن اسامی پدر و مادر در شناسنامه اشاره نمی‌شود.

در نهایت آنکه هرگاه کودک به طور قطع ناشی از روابط نامشروع باشد نیز، هرچند از لحاظ شرعی با توجه به عدم الحاق اطفال نامشروع به پدر، اطفال مذکور تابعیت را از طریق خون از پدر به ارث نمی‌برند، لکن از طریق سیستم اقامتگاه و محل تولد می‌توان ایشان را دارای تابعیت ایرانی دانست. مع‌الوصف با توجه به رأی وحدت رویه شماره

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

۶۱۷ مورخه ۱۳۷۶/۴/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، هرگاه محل تولد طفل در خارج از ایران بوده و وی در ایران اقامت نیز نداشته باشد، می‌توان با توجه به آنکه رابطه عرفی ابوت و بنوت نسبت به طفل و زانی برقرار است، زانی را مکلف به دریافت شناسنامه برای طفل دانست و از این راه تابعیت ایرانی به طفل مذکور اعطا نمود.

با وجود آنکه قانون ثبت احوال در خصوص فروض مختلف روابط والدین اعم از قانونی و غیر آن و اثربخشی آن بر تابعیت طفل واجد حکم است، لکن به موردی که طفل حاصل ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی فاقد تابعیت یا مجهول‌الهویه است، نپرداخته و این امر تا تصویب قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲ فاقد حکم قانونی بود.

۴ـ قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲

با عنایت به ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اطفال مورد بحث مشمول هیچ یک از بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی نمی‌باشند. عدم امکان بهره‌مندی این اطفال از احکام مقرر در ماده ۹۷۶ قانون مدنی و وجود اطفال فاقد تابعیت در ایران، دولت را بر آن داشت تا با تصویب قانونی در سال ۱۳۸۵ نسبت به رفع این مشکل چاره‌اندیشی نماید.

تا پیش از سال ۱۳۸۵ وفق نظریات شماره ۳۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۶/۶ و شماره ۷/۵۰۲۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۳ اداره حقوقی قوه قضاییه، طفل متولد از مادر ایرانی در ایران، بنابر اولویت و تنقیح مناط، به حکم بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایرانی محسوب می‌شد (۷)، بدیهی است راه‌کار مذکور با توجه به ارتباط موضوع تابعیت با نظم عمومی و حاکمیت دولت، راه حل مناسبی تلقی نشده و نمی‌توان مشکل مربوط به تابعیت را که امری حاکمیتی و مرتبط با اراده کشور است، از طریق تنقیح مناط، حل و فصل نمود.

برابر ماده واحده مصوب ۱۳۸۵، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، هرچند در ایران به دنیا آمده باشند، بر اساس وضعیت پدر، خارجی یا فاقد

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

تابعیت محسوب می‌گردند. بنابراین اخذ شناسنامه ایرانی برای طفل متولدشده در ایران با توجه به تابعیت خارجی طفل در زمان تولد یا بی‌تابعیتی وی، منوط به احراز شرایط قانونی و تحصیل بعدی تابعیت ایران است، یعنی قانونگذار نه‌تنها تابعیت اصلی از نوع نسبی را برای این‌گونه افراد همانند نسب پدری، نپذیرفته است، بلکه حتی تابعیت اصلی از نوع خاک را نیز همانند مشمولین بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی که راجع به فرزندان مادران خارجی پذیرفته، نسبت به مادران ایرانی قبول نکرده است.

با وضع این ماده واحده، دولت صرفاً مکلف شد به اطفال متولد از مادران ایرانی در خاک ایران آن هم، پس از ۱۸ سالگی و در صورت احراز شرایط مندرج در این قانون، تابعیت ایرانی اعطا نماید؛ پیش از وضع این ماده واحده، دولت مخیر به اعطای تابعیت ایرانی به این افراد بود و قاعدتاً کلیه شرایط موضوع ماده ۹۷۹ قانون مدنی از جمله شرط سکونت مندرج آن ماده باید رعایت می‌شد.

همچنین برابر مقرارت قبلی، چنانچه ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت گرفته بود، درخواست ثبت ازدواج و به تبع آن درخواست صدور شناسنامه ایرانی برای طفل به صورت خاص ممکن نبود، در حالی که به موجب ماده واحده مذکور، دولت مکلف شد برای ازدواج‌هایی که بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی صورت گرفته، پروانه ازدواج صادر نماید تا زمینه درخواست شناسنامه و تابعیت ایرانی برای طفل نیز فراهم گردد. علاوه بر این برای پدر طفل که خارجی محسوب می‌شود، پروانه اقامت در ایران صادر می‌گردید و فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران شدند.

۵ـ طرح‌های مصوب مجلس شورای اسلامی

ایرادهای چندی از سوی حقوقدانان و کارشناسان و حتی متولیان امر صدور تابعیت، بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی و ماده واحده مصوب ۱۳۸۵ وارد گردید به نحوی که منتهی به ارائه طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در تاریخ ۹۱/۲/۲۷ در مجلس شورای اسلامی شد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

از جمله ایرادها، تبعیض غیر قابل توجیه میان زن ایرانی و خارجی در بندهای ذیل ماده ۹۷۶ و عدم توجه قانون سال ۱۳۸۵ به این امر می‌باشد. بدین شرح که تولد زن خارجی در ایران بدون آنکه رابطه سیاسی و حقوقی میان وی و کشور برقرار باشد، یکی از شرایط اعطای تابعیت در بند ۴ ماده مزبور است، لکن تابعیت زن ایرانی که مبین رابطه حقوقی و سیاسی میان وی و دولت ایران می‌باشد، در این میان هیچ نقشی ندارد، در حالی که حتی اگر ازدواج زنان مورد بحث با مردان خارجی بدون رعایت ضوابط قانونی ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی نیز صورت پذیرفته باشد، این امر نمی‌تواند سایر حقوق ایشان را تحت تأثیر قرار دهد. قانون سال ۱۳۸۵ صرفا به تابعیت ایرانی مادر از باب ارفاق به کودک وی تا بدین حد اعتبار بخشیده که ضمن اعطای اقامت به طفل، شرط سکونت یک ساله پس از سن ۱۸ سالگی را نسبت به وی مجری نسازد، در نتیجه اولاً طفل تا سن ۱۸ سالگی ممکن است فاقد تابعیت باشد و از امکانات و حقوق شهروندی نظیر آموزش، بهداشت، یارانه و... محروم گردد؛ ثانیاً پس از سن ۱۸ سال نیز در زمان ارائه تقاضای تابعیت تنها از شرط اقامت یک ساله معاف شود.

بر این اساس با توجه به ایرادهای وارد بر قانون سال ۱۳۸۵ و نیز انقضای فرصت یک ساله که برای تحقق مفاد آن پیش‌بینی شده بود، طرح اصلاحی در مجلس مورد بررسی قرار گرفت. متن طرح بدین شرح است:

۱ـ عبارت «فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند» از متن ماده واحده حذف می‌شود؛

۲ـ عبارت «فرزندان موضوع این ماده واحده و تبصره ۲ آن علاوه بر حق اقامت دائم در ایران همانند شهروندان ایرانی از حق تحصیل، بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی و یارانه برخوردار می‌باشند. این افراد تا نوزده سالگی از پرداخت تعرفه اقامت نیز معاف هستند» به عنوان تبصره ۳ به متن الحاق می‌گردد؛

۳ـ همچنین در تبصره ۱ «تا سال ۱۳۸۵» جایگزین «ظرف یک سال» می‌گردد.

این طرح پس از ارسال به شورای نگهبان با ایراد مغایرت با قانون اساسی تشخیص داده شد و جهت اصلاح به کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس ارجاع شد. ایراد شورای

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

نگهبان، متوجه تبصره «۳» الحاقی این طرح است. بر اساس ایراد مذکور، این تبصره دارای بار مالی برای دولت بوده و طریق جبران هزینه‌های آن در طرح مشخص نگردیده، لذا مصوبه مغایر با اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی شناخته شد.

توضیح ضروری آنکه هم اینک آمار رسمی از تعداد مشمولین این طرح در دسترس نیست، اما آمارهای غیر رسمی از شمول این طرح بر تعداد قابل ملاحظه‌ای از کودکان حکایت دارد که با این احتساب جهت پرداخت یارانه به این افراد دولت مکلف است ماهیانه میلیاردها ریال هزینه نماید. قدر مسلم پرداخت یارانه به این قشر از جامعه، هزینه بسیار سنگینی را به دولت تحمیل می‌کند که ذکر آن در طرح مجلس، مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است.

از سوی دیگر اخذ تعرفه اقامت افراد غیر ایرانی ابتدا در قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ پیش‌بینی شد. پس از آن به موجب ماده ۵۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ هیأت وزیران، مسؤول تعیین نرخ تعرفه گردیده است. ماده موصوف طریقه مصرف آن را نیز پیش‌بینی نموده است. در حال حاضر مبلغی به صورت سالیانه از این افراد جهت صدور یا تمدید پروانه اقامت دریافت می‌گردد. حذف این مبلغ نیز موجب کاهش درآمدهای دولت و مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی خواهد بود.

با توجه به ایرادهای وارد بر این طرح موضوع به جایی نرسید تا این‌که در سال جاری طرح اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و شهدای غیر ایرانی در مجلس مطرح گردید.

پیش‌نویس این طرح دارای احکامی به شرح ذیل است: اولاً فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی یا مردان فاقد تابعیت که در ایران متولد شده یا می‌شوند، بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام در صورتی که قبل از آن پنج سال متوالی یا متناوب در ایران سکونت داشته باشند، با تقاضای آنان به تابعیت ایران درمی‌آیند؛

ثانیاً وزارت امور خارجه مکلف است حداکثر سه ماه پس از تقاضا، البته تا پنج سال پس از زمان لازم‌الاجراشدن این قانون یا رسیدن به سن هجده سال تمام، برای واجدان

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

شرایط موضوع این قانون، سند تابعیت صادر کند. سازمان ثبت احوال نیز مکلف است حداکثر یک ماه پس از صدور سند تابعیت نسبت به صدور شناسنامه ایرانی برای آنان اقدام نماید. همچنین نیروی انتظامی مکلف است حداکثر ظرف مدت یک ماه پس از صدور شناسنامه، برای پدر خارجی یا فاقد تابعیت مذکور در ماده (۱) این قانون، پروانه اقامت دائم صادر کند؛

ثالثاً احراز ولادت متقاضی در ایران با ارائه گواهی ولادت صادره از بیمارستان‌های کشور یا گواهی صادره از سوی شورای اسلامی شهر و روستای محل تولد با تأیید فرماندار، خواهد بود و نیز سازمان ثبت احوال مکلف است برای کلیه افراد موضوع این قانون قبل از رسیدن به سن هجده سالگی شناسنامه ویژه (شناسنامه موقت یا کارت شناسایی معتبر) صادر کند؛

رابعاً احراز ازدواج پدر و مادر متقاضی با ارائه سند ازدواج یا پروانه زناشویی موضوع ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی خواهد بود و وزارت کشور و استانداری‌ها موظفند نسبت به صدور پروانه مذکور برای پدر و مادر کلیه متقاضیان موضوع این قانون به صرف تقاضای والدین متقاضی و با نبود موانع نکاح حداکثر ظرف مدت سه ماه اقدام نمایند؛

خامساً این افراد با داشتن این شناسنامه علاوه بر حق اقامت دائم، مانند اتباع ایران از حق تحصیل، بهداشت و درمان و بیمه خدمات درمانی برخوردار هستند. احراز ولادت آنان در ایران و ازدواج والدین آنان بر اساس مواد ۳ و ۴ این قانون خواهد بود.

سادساً بار مالی ناشی از اجرای این قانون حسب مورد از محل ردیف... وزارت آموزش و پرورش و ردیف... وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأمین می‌شود.

در نهایت آنکه از تاریخ لازم‌الاجراشدن این قانون، قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲ نسخ می‌شود.

این طرح دارای نقاط قوت چندی نسبت به پیشنهادهای پیشین می‌باشد، از جمله آنکه با اعطای تابعیت به فرزندان مزبور و تعیین دقیق وظایف متولیان ثبت واثعه ازدواج والدین، ثبت ولادت طفل، صدور شناسنامه وی و... به روشنی فرایند حقوقی امر را روشن نموده است، لکن به حل اساسی مشکل نمی‌پردازد و نواقص موجود در قانون

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

مدنی در حوزه اعطای تابعیت بر اساس نسب مادری، روابط حقوقی زوجین و... همچنان لاینحل باقی می‌ماند. همچنین ایراد بار مالی و عدم پیش‌بینی محل تأمین آنکه پیشتر بحث شد نیز همچنان وجود دارد.

لذا در راستای رفع این مشکل ضمن تأکید بر این‌که ماده واحده «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» نتوانسته به حل مشکل کمکی نماید و نیز باید به نحو مقتضی هزینه‌های ناشی از تغییر وضعیت حقوقی فعلی این کودکان از سوی حکومت تأمین گردد، اصلاح برخی از مواد قانون مدنی به شرحی که در ادامه خواهد آمد، پیشنهاد می‌شود.

۶ـ لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

بر اساس لایحه‌ای که هم اینک در دولت مطرح گردیده، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی منوط به تولد در ایران و یا حداقل پنج سال اقامت متوالی یا متناوب در کشور و یا تکلم به زبان فارسی، با تقاضای مادر خود به تابعیت ایرانی درمی‌آیند. این افراد در صورت عدم تقاضای مادر پس از رسیدن به سن ۱۸ سال و با ارائه درخواست تابعیت، در صورت فقدان مشکل امنیتی به تشخیص وزارت اطلاعات به تابعیت ایرانی درمی‌آیند و پیش از ۱۸ سالگی از حق اقامت، تحصیل، خدمات بهداشتی و سلامت بنابر قوانین و مقررات موجود بهره‌مند می‌شوند.

هرچند در این لایحه بر اعطای تابعیت به این اطفال تصریح گردیده، لکن در واقع تا پیش از ۱۸ سالگی، اطفال موضوع این لایحه تنها از طریق مادر خود می‌توانند به تابعیت ایرانی دست یابند، در حالی که برخی از ایشان بی‌سرپرست یا بدسرپرست هستند، لذا مناسب است روشی دیگر از جمله تقاضای دادستان درکنار تقاضای مادر افزوده شود.

با توجه به فرض دوم که تقاضای تابعیت در سن ۱۸ سالگی از سوی طفل است، در واقع وی تا آن سن فاقد تابعیت است، بنابراین مناسب است نحوه بهره‌مندی وی از

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

حقوق مدنی مانند حق بر آموزش، بهداشت، یارانه و... تصریح گردد. هم‌اینک بهره‌مندی ایشان از حقوق مدنی فوق مانند سایر متقاضیان درج شده، در حالی که باید به واسطه مادر ایرانی، تسهیلاتی برای ایشان لحاظ گردد. ضمناً باید معافیت از پرداخت عوارض اقامت برای این اطفال هم تصریح شود.

در نهایت آنکه با توجه به بیگانگی پدر این اطفال و بیم وجود مشکلات امنیتی و سیاسی برای ایشان ضروری است علاوه بر بررسی سوابق امنیتی و کیفری طفل، سابقه امنیتی پدر وی هم بررسی شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی که تولد زن خارجی در ایران را امتیازی جهت اعطای تابعیت اصلی به فرزند وی دانسته، باید تابعیت زن ایرانی را نیز مؤثر در مقام دانست و بر این اساس پیشنهاد می‌گردد به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی که در خاک ایران متولدشده یا می‌شوند بر مبنی تلفیقی از سیستم خاک (تولد در ایران) و خون (نسب مادری) و بنا به تقاضای مادر ایرانی طفل، تابعیت ایرانی اعطا شود.

البته احراز ولادت طفل در ایران و نیز ثبت واقعه ازدواج در مواردی که زن ایرانی با مرد خارجی بدون رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج نموده، باید بر عهده وزارت کشور نهاده شود.

مقتضی است فرزندان مزبور که در ایران مقیم هستند، در صورت عدم تقاضای مادر بتوانند پس از رسیدن به سن ۱۸ سالگی و بدون رعایت شرایط مندرج در قانون مدنی، تقاضای تابعیت نمایند. مع‌الوصف این امر منوط به بررسی سوابق طفل و رعایت ضوابط امنیتی و سیاسی است. توضیح آنکه طفل تا سن ۱۸ سالگی ممکن است علاوه بر ارتکاب احتمالی جرم، نسبت به تحصیل تابعیت پدر یا تابعیت کشور دیگر مبادرت نموده یا هرگونه درخواست پناهندگی به دولتی تقدیم نموده باشد، لذا باید در صورت فقدان سوء پیشینه کیفری و امنیتی، به تابعیت ایرانی پذیرفته شود.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

در نهایت آنکه فرد مکلف شود در سن ۱۸ سالگی سندی دایر بر ترک تابعیت غیر ایرانی احتمالی خود اعم از تابعیت اصلی (تابعیت پدر) یا اکتسابی ارائه نماید تا از هرگونه امکان تحقق تابعیت مضاعف پیشگیری شود.

جهت تأمین حقوق اطفال مزبور و ارزش بخشی به تابعیت مادر ایرانی این اطفال، ضروری است ایشان از بدو تولد و در طول سال‌های اقامت در ایران از کلیه حقوق مدنی شهروندان ایرانی اعم از اموزش و پرورش، خدمات بهداشت و درمان و... بهره‌مند بوده و از پرداخت تعرفه اقامت نیز معاف شوند.

در صورتی که تابعیت ایرانی از بدو تولد به طفل اعطا گردد وی باید از شرایط مندرج در بند «الف» ماده ۹۷۷ نیز بهره‌مند باشد. توضیح آنکه اشخاص مزبور پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بتوانند تابعیت پدر خود را قبول کنند، البته باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به این‌که آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند. این پیشنهاد نیز در راستای پیشگیری از تحقق تابعیت مضاعف ارائه شده است.

علاوه بر این تحمیل تابعیت مرد غیر ایرانی به زن ایرانی بر اثر ازدواج یکی از مشکلات مهم بر سر راه تعیین تابعیت اطفال حاصل از این ازدواج می‌باشد با اصلاح ماده ۹۸۷ و تبصره‌های آن به شرح ذیل این مشکل تا حدودی مرتفع می‌گردد:

ماده ۹۸۷: زن ایرانی که با مرد غیر ایرانی ازدواج نماید، به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد بود. در صورت انتخاب تابعیت زوج توسط زن ایرانی و با وجود دلایل کافی و به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی، وزارت امور خارجه با تقاضای وی مبنی بر ترک تابعیت ایران موافقت نماید.

تبصره ۱: زن ایرانی که مطابق این ماده تابعیت همسر خود را انتخاب می‌کند، حق داشتن اموال غیر منقول را مشروط به عدم تحقق سلطه اقتصادی و موافقت کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه، کشور و اطلاعات دارد.

تبصره ۲: مفاد ماده ۹۸۸ و تبصره «الف» آن، در خصوص زنانی که وفق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند، لازم‌الاجرا نمی‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

تبصره ۳: در صورت حفظ تابعیت ایرانی توسط زن پس از ازدواج با مرد غیر ایرانی و تولد فرزند، نیروی انتظامی با اعلام وزارت کشور برای پدر خارجی پروانه اقامت صادر می‌نماید.

در نهایت آنکه در نظام حقوقی ایران روابط مالی و شخصی زوجین تابع قانون اقامتگاه شوهر است، حال آنکه این امر در موارد بی‌تابعیتی شوهر و یا عدم دسترسی به وی، منجر به بروز مشکلاتی می‌گردد، لذا با افزودن تبصره‌ای به ماده ۹۶۳ قانون مدنی، روابط شخصی و مالی میان زن ایرانی و شوهر خارجی مقیم ایران، تابع قانون آخرین اقامتگاه مشترک گردد تا مشکل تعیین قانون صالح بر مبنای قانون دولت متبوع شوهر نیز مرتفع شود.

همچنین جهت رفع مشکل تعیین قانون حاکم بر روابط والدین و طفل، در قالب تبصره‌ای ذیل ماده ۹۶۴ قانون مدنی، روابط اولاد با مادر ایرانی و پدر خارجی (که مطابق مفاد تبصره ۳ ماده ۹۸۷ این قانون، دارای پروانه اقامت است)، تابع قانون ایران (محل اقامت پدر و مادر) باشد. این امر مشکل وجود قوانین صالح نسبت به احوال شخصیه طفل را نیز مرتفع خواهد نمود.

ضروری است با توجه به امکان رفع مشکلات جاری با راه‌کارهای پیشنهادی، قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵ نسخ گردد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]

References

1. Jafari Langroudi MJ. Expanded in Terminology of law. Tehran: Ganj-e Danesh; 1999. [Persian]

2. Nasiri M. Private International Law. 9th ed. Tehran: Agah; 2002. [Persian]

3. Tabataba'i M. Basic Law. 9th ed. Tehran: Mizan; 2007. [Persian]

4. Balazadeh Z. Private International Law and the Regulations of Iran in the Field of nationality, Residence and Status of Aliens. Tehran: Mardom Salari; 2004. [Persian]

5. Abbasi A. The rights of the child in the legal system of Iran. Tehran: In cooperation with the campus of the sisters of Imam Sadiq University; 2016. [Persian]

6. Amir Arjmand A. Documentation Collection in International Human Rights. Tehran: Shahid Beheshti University; 2007. [Persian]

7. Saljughi M. Private International Law. Tehran: Office of International Legal Services of the Islamic Republic of Iran; 1991. [Persian]

8. Katoozian N. Collected articles in Defense of Women's Rights. Office of Studies and Research. Qom: Taha; 2001. [Persian]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-09-15]